

تحلیل ارتباط‌های غیرکلامی در منظومه تحفه‌الاحرار از مثنوی هفت اورنگ جامی

فاطمه علیمرادزاده^۱، حسنعلی عباسپور اسفدن^{۲*}، کبری نودهی^۳ و طواق گلشیاهی^۴

چکیده

مقصود از ارتباط غیرکلامی، انتقال پیام و مفاهیم بدون استفاده از سخن و گفتار است. این ارتباط همه حرکات بدن را در برمی‌گیرد. هریک از مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی با توجه به بافت موقعیتی و نیز فرهنگ جوامع ممکن است مفاهیم و پیام‌های گوناگونی را منتقل کنند. با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته توسط پژوهش‌گران علم ارتباطات، در یک ارتباط درصد بالایی از پیام از طریق مؤلفه‌های غیرکلامی منتقل می‌شود و سهم اندکی از این انتقال پیام توسط کلام و گفتار صورت می‌پذیرد. در متون ادبی نیز شاعران و نویسندگان برای انتقال مفاهیم از حرکات بدنی و مؤلفه‌های مرتبط با آن بهره می‌برند و این امر سبب درک و فهم بهتر خواننده از متن می‌گردد. آثار جامی از جمله متونی است که قابلیت تجزیه و تحلیل از دیدگاه علم ارتباطات را دارد. این تحقیق می‌کوشد تا عناصر ارتباط غیرکلامی را در منظومه تحفه‌الاحرار جامی به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار دهد و مؤلفه‌های این نوع از ارتباط را استخراج و تحلیل کند. نتیجه حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که جامی از بیشتر مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی در این منظومه استفاده کرده است و مؤلفه‌هایی که بیش‌ترین کاربرد را داشته‌اند، کارکردهای مربوط به حرکت دست با ۷۱ مورد، حالت و وضع ظاهری ۴۱ مورد، چشم و نگاه ۳۹ مورد، حرکت کمر ۳۴ نمونه و سرو گردن ۳۲ مورد است. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که مفاهیم و پیام‌هایی که از این روش منتقل شده‌اند، با بافت متنی اثر مورد بررسی همخوانی کامل دارد و همه در راستای انتقال مفاهیم تعلیمی است.

کلید واژه‌ها: ارتباط غیرکلامی، عبدالرحمن جامی، تحفه‌الاحرار، مثنوی و تحلیل.

^۱ - دانشجوی دکترای گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گرگان، ایران.

alimoradzadeh247@gmail.com

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گرگان، ایران. (نویسنده

h.abbaspouresfeden@gmail.com

مسئول)

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گرگان، ایران.

koobranodehi@gmail.com

tavagh.golshahi@gmail.com

^۴ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵

وصول: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷

۱- مقدمه

برقراری ارتباط با مخاطب و انتقال پیام و مفاهیم مورد نظر به او، از مباحث اصلی علوم ارتباطات به حساب می‌آید. این «برقراری ارتباط همواره یکی از دل مشغولی‌های بشر بوده است. این مشغولیت فکری به کلیهٔ فعالیت‌های گفتاری و نوشتاری و حرکتی مربوط می‌شود و فرد آن‌ها را برای انتقال معنی به فردی دیگر یا گروهی از افراد به کار می‌برد.» (باقریان‌فر و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۶) طی سالیان اخیر «پژوهش‌های میان رشته‌ای بسیار مورد توجه قرار گرفته است و در حوزهٔ مطالعات ادبی با وجود پیشینهٔ اندک، از دامنهٔ وسیعی برخوردار است.» (محمّدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۲) یکی از این رویکردها که در متون ادبی قابلیت به کارگیری بالایی دارد، علم ارتباطات است. ارتباطات یکی از گسترده‌ترین جنبه‌های زندگی است که با تمام فعالیت‌های بشری عجین شده است. امروزه دانش ارتباطات، گسترهٔ وسیعی از مطالعات انسان‌ها را دربر گرفته و در آن انواع مشخصه‌ها، کارکردها، مؤلفه‌ها، دیدگاه‌ها و نظریه‌های بسیاری مطرح گردیده است. از آنجایی که ایجاد ارتباط یکی از دغدغه‌های بشر بوده است این مفهوم به کلیهٔ فعالیت‌های گفتاری، نوشتاری و حرکتی اطلاق می‌شود که توسط فرد برای انتقال معنی به فرد دیگر یا به تودهٔ وسیعی از افراد به کار می‌رود. این انتقال پیام ممکن است فقط یک اطلاع رسانی ساده باشد یا این که هدف از انتقال پیام اثرگذاری یا نفوذ بر مخاطب باشد که در این صورت عامل ارتباطی را بر آن می‌دارد تا از این وسیله بسیار کارساز در جهت اقناع یا برانگیختن فرد یا گروه یا توده وسیع مخاطبان استفاده کند. (ن.ک: فرهنگی، ۱۳۷۵: ۱۳).

نورالدین عبدالرحمان جامی، عارف و ادیب بزرگ قرن نهم هجری (۸۱۷-۸۹۸) است. «او در هرات به مقام والای ادبی، دینی و عرفانی دست یافت. بی‌شک جامی در فضل و شمار آثار علمی و ادبی در روزگار خود بی‌همتا بود.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۸) آثار بسیاری از این اندیشمند خوش ذوق و پرکار در زمینهٔ نظم و نثر باقی مانده است که همگی آن‌ها نشان از مهارت وی در عرصهٔ سخن دارد. یکی از آثار ارزشمند وی در شعر پارسی، مثنوی معروف و گرانسنگ هفت اورنگ است. این مجموعه از هفت مثنوی تشکیل می‌شود و مثنوی تحفه الاحرار اورنگ سوم آن محسوب می‌گردد. این مثنوی به وزن سریع مسدّس مطوی مکشوف (مفتعلن مفتعلن فاعلن)

بر شیوه مخزن الاسرار نظامی و مطلع الانوار امیر خسرو دهلوی است که حاوی مسائل اخلاقی، اعتقادی، نکات عرفانی و پندآمیز است.

۲-۱- بیان مسأله

شاعران و نویسندگان عارفی چون جامی از نگارش آثار و سرودن اشعار خود همواره به دنبال هدف و مقصودی بوده‌اند. آنان مسائل تعلیمی، اخلاقی و عرفانی را در قالب آثار خویش اعم از نظم و نثر مطرح می‌کردند و با این کار به دنبال تأثیر بر مخاطب و به نوعی تعلیم و تربیت مخاطبان خود بودند. به همین منظور جامی در مثنوی تحفه الاحرار با استفاده از شگردهای مختلف، پیام‌هایی را در حیطه اعتقادات، عرفان و اخلاق به مخاطب منتقل می‌کند. یکی از این شگردها استفاده از ارتباط غیرکلامی برای انتقال مفاهیم گوناگون است. ارتباط غیرکلامی بخشی از علم ارتباطات محسوب می‌شود. در این نوع ارتباط، انتقال پیام و مفاهیم بدون استفاده از بیان و کلام صورت می‌گیرد. ارتباطات غیر کلامی شامل نشانه‌های غیرکلامی یا تصویری و دیداری در مناسبات اجتماعی است و همچون دیگر نشانه‌ها، دارای دال و مدلول است که با تغییر دال، مدلول نیز تغییر می‌کند؛ مثلاً جمع شدن ابروها نشانه عصبانیت و باز شدن ابروها از یکدیگر نشانه رضایت و خوش حالی است (شعیری، ۱۳۹۲: ۳۱) در این شیوه ارتباط مبادله اطلاعات و معنی از طریق حالت‌های چهره، اشارات یا حرکات بدن، ارسال می‌شود و تشریح پیام‌های آوایی و غیرآوایی با وسایلی غیر از وسایل زبانی و زبان شناسی پیام منتقل شده از اعضای بدن، کیفیت صدا، تماس چشمی، حالت چهره، فضا، نزدیکی، تمایل بدن، حرکت لمس کردن و حرکات بدن انجام می‌شود (ن.ک: محمدی، ۱۳۹۹).

ارتباط غیرکلامی در برقراری ارتباطات روزمره ما جایگاه بسیار پررنگی دارد. در این نوع ارتباطات هرکدام از اجزای بدن به عنوان وسیله انتقال پیام می‌توانند در ایجاد ارتباط و تعامل اجتماعی مؤثر واقع شوند؛ زیرا حرکات و آداهای در زمینه‌های مختلف دارای بار معنایی خاص و متفاوتی هستند. توجه به ارتباط غیرکلامی گویای این واقعیت است که زبان گفتاری در انتقال مفاهیم و منویات الکن می‌شود و در این مجال ارتباط غیرکلامی به عنوان رسانه‌ای کمکی در انتقال

پیام ایفای نقش می‌کند. (ن.ک: غفوری فر و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۰۶) تحلیل آثار ادبی با این رویکرد افق‌های جدیدی را فرا روی محققان ادبی باز کرده و به تفسیرهای تازه‌ای از آن‌ها منجر می‌شود» (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۲). عبدالرحمن جامی در آثار خود به ویژه هفت اورنگ توجّه ویژه‌ای به استفاده از این شگرد برای انقال پیام و مفاهیم دارد. به همین منظور نگارندگان بر آن هستند تا از میان هفت مثنوی این مجموعه، مثنوی تحفه الاحرار را با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات بین رشته‌ای مورد بحث و بررسی قرار داده و شگردهای ارتباط غیرکلامی را در داستان مذکور تحلیل نمایند.

۲-۱- اهداف تحقیق

این پژوهش اهدافی را دنبال می‌کند که عبارت است: ۱- بررسی نشانه‌های ارتباطات غیرکلامی در مثنوی تحفه الاحرار. ۲- تحلیل نمود و کاربردهای ارتباط‌های غیرکلامی در مثنوی تحفه الاحرار. همچنین آنچه سبب ضرورت انجام این پژوهش می‌گردد این است که انتقال بسیاری از پیام‌ها در متون ادبی از طریقی غیر از ارتباط کلامی صورت می‌گیرد و کشف این نوع از راه‌های انتقال پیام سبب درک بهتر این نوع متون می‌گردد.

۳-۱- پرسش‌های تحقیق

نویسندگان کوشیده‌اند تا در این تحقیق به این سؤالات پاسخ دهند: برجسته‌ترین عناصر ارتباط غیرکلامی در این مثنوی چیست؟ جامی نشانه‌های غیرکلامی را برای بیان چه مفاهیمی به کار برده است؟ بافت متنی این اثر چه تأثیری در نوع مفاهیم عناصر غیرکلامی داشته است؟

۴-۱- پیشینهٔ تحقیق

در سال‌های اخیر، تحلیل ارتباط غیرکلامی در آثار ادبیات فارسی، مورد توجه دسته‌ای از پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱ - پهلوان‌نژاد (۱۳۸۶) در مقاله «ارتباطات غیرکلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی» به ارتباطات غیرکلامی و نقش حرکات بدنی در برقرای ارتباط در فرهنگ ایرانی پرداخته و به این نتیجه رسیده

- که حرکات بدنی نقش بسزایی در برقرای ارتباط ایفا می‌کنند و برای هریک از حرکات دسته بندی ترتیب داده و مفاهیم آن‌ها را ذکر کرده است.
- ۲ - محمد دانشگر (۱۳۸۶) در مقاله «نقش ارتباطات غیرکلامی در داستان پردازی مولانا» چگونگی استفاده مولانا از ابزار ارتباط غیرکلامی را در داستان پردازی بازگو کرده است و ارتباطات غیرکلامی را بخش مهمی از اشعار مولانا می‌داند.
- ۳ - آذری و نبیان (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به «تحلیل محتوای ارتباطات غیرکلامی شخصیت‌های آثار برگزیده سیمین دانشور» پرداخته و این مورد را در رفتار شخصیت‌ها بررسی کرده‌اند.
- ۴ - مروتی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «نوع شناسی مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی در قرآن کریم» به جایگاه ارتباطات غیرکلامی در پرتو آموزه‌های دینی قرآن کریم پرداخته‌اند و دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که لحن آیات نشان دهنده تفاوت سطوح مخاطبان آیات است.
- ۵ - بهنام و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «گفتار بی صدا تأملی بر زبان بدن در غزلیات شمس» بیان کرده‌اند که مولوی در این اثر از باب حفظ حریم و قداست شخصیت، به ویژه شمس تبریزی حرکات وی را در موقعیت‌های مختلف با استفاده از زبان بدن و رمزگونه به تصویر کشیده است.
- ۶ - باقری خلیلی و زلیکانی (۱۳۹۴) در مقاله «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی» به زبان بدن سیاست مداران را در تاریخ بیهقی پرداخته‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که ارتباط غیرکلامی سیاست مداران در این اثر به چهار دسته تقسیم می‌گردد: حرکات و حالات چهره، اشارات و حالات سر و تن، حرکات و اشارات دست، سایر رفتارهای حرکتی.
- ۷ - محققیان و پرچ (۱۳۹۴) در مقاله «نشانه شناسی ارتباطات غیرکلامی در آیات قرآن کریم» با نگاهی میان رشته‌ای و استفاده از نظریه‌های علوم ارتباطات، ارتباطات غیرکلامی بازتاب یافته در قرآن کریم را تحلیل کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که پیام‌هایی که به واسطه عناصر غیرکلامی منتقل شده است که پرده برداری از آن‌ها در کشف پیام نهفته در متن سهم بسزایی داشته است.
- ۸ - قبادی و زارع (۱۳۹۴) در مقاله «ارتباطات غیرکلامی در شعر حافظ» به زیبایی ساخت‌ها، کارکردها، نشانه‌ها و معانی و در نهایت تفسیر آن‌ها به صورت غیرکلامی توجه داشته و دریافته‌اند که حافظ اندیشمندی تفسیرساز است و از این عناصر بدین منظور بهره برده است.
- ۹ - نیکدراصل و احمدیانی (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل و رمزگشایی ارتباطات غیرکلامی در بوستان سعدی» ارتباطات غیرکلامی در بوستان سعدی را مورد تحلیل قرار داده و دریافته‌اند که سعدی با

- استفاده از کارکردهای زبان اشیاء چون هدیه، لباس و جواهرات و عناصر پیرا زبان، رسایی بیشتر معنا را در فضای نمایشی شعر خود رقم زده است.
- ۱۰ - محمودی مریم و همکاران (۱۳۹۵) «ارتباط‌های غیرکلامی در روایت‌های تاریخ بیهقی» را بررسی کرده‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که ارتباطات غیرکلامی در تاریخ بیهقی برای تکمیل کردن پیام‌های کلامی به کار رفته‌اند و در مواردی جانشین ارتباط کلامی شده‌اند.
- ۱۱ - محسنی و پطرودی (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی و تحلیل ارتباطات غیرکلامی در حکایت حسنک وزیر» مصداق‌های ارتباط غیرکلامی را در داستان حسنک وزیر را کاویده و دریافته‌اند که رفتار آوایی برای بیان احساسات بالاترین بسامد و پیام غیرکلامی بساوی کم‌ترین را داشته است.
- ۱۲ - قاسم‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «مفاهیم و کارکردهای ارتباطات غیرکلامی در شاهنامه» به تحلیل و کارکرد ارتباط غیرکلامی در شاهنامه پرداخته‌اند. ماهیت حماسی شاهنامه توانسته محمل خوبی برای تحلیل ارتباطات غیرکلامی در این اثر باشد. نتیجه حاصل شده گواه این است که زبان بدن در شاهنامه برای بازشناسی هویت ایرانی و بیشتر از طریق کنایه سازی و نماد پردازی صورت گرفته است.
- ۱۳ - اولادی قادیکلانی و پارسایی (۱۳۹۹) «تحلیل ارتباطات غیرکلامی در منظومه لیلی و مجنون نظامی» را انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیدند که نظامی با استفاده از عناصر غیرکلامی فضایی دراماتیک را در این منظومه ایجاد کرده است.
- ۱۴ - افراخته و مدرس (۱۳۹۹) در مقاله «روابط غیرکلامی در غزلیات شمس» انواع رفتارهای غیرکلامی مثل حرکات و اشارات بدن، رفتارهای چهره، و تماس بدنی و... را مورد تحلیل قرار داده‌اند و به این نتیجه دست یافته که ارتباطات غیرکلامی در این اثر بیشتر جانشین ارتباط کلامی شده‌اند.
- ۱۵ - اولادی قادیکلانی و پارسایی (۱۴۰۰) «تحلیل ارتباطات غیرکلامی در منظومه خسرو و شیرین نظامی» را با دسته بندی انواع رفتار غیرکلامی بررسی کرده و نشان داده‌اند که حرکات و اشارات اندام و ارتباطات چشمی نقش بسزایی در جریان انتقال مفاهیم و پیام‌ها ایفا می‌کنند.
- ۱۶ - غفوری‌فر، حسینی و قصابی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل بازتاب ارتباطات غیرکلامی در خطبه‌های نهج‌البلاغه» ارتباطات غیرکلامی را در خطبه‌های نهج‌البلاغه بررسی کرده‌اند و نتایج پژوهش حاکی از این است که زبان چشم و دست کارآمدترین و پربسامدترین نوع

ارتباط غیرکلامی در خطبه‌های نهج‌البلاغه است و در کشف پیام‌های نهفته متن نقش بسزایی داشته است.

با این حال در مورد مثنوی تحفه‌الاحرار تاکنون تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته و از این جهت تحقیق حاضر تازگی دارد. همچنین تحقیق حاضر علاوه بر بررسی و تحلیل ارتباطات غیرکلامی در منظومه مورد نظر و ارائه آمار دقیق، به تأثیر بافت متنی این اثر در کشف مفاهیم و کارکردهای آنان نظر داشته است.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱- ارتباط غیرکلامی

ارتباط عبارت است از فراگرد، انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده مشروط بر آن که در گیرنده پیام مشابهت معنی با معنی مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود (ن.ک: محسنیان راد، ۱۳۸۵: ۵۷-۷۱). رابرت بولتون نیز معتقد است که: «ارتباط از عالی‌ترین دستاوردهای بشر بوده است و در گذشته برای انسان اولیه، نه تنها در جهت حفاظت او، و تعامل او با دیگران موثر بوده است، بلکه زمینه ساز فعالیت‌های اجتماعی بشر و نقطه آغازی برای زندگی اجتماعی انسان‌ها نیز بوده است». (بولتون، ۱۳۸۱: ۱۳) برقراری ارتباط نیازمند اجزایی است که بدین صورت تقسیم بندی می‌گردد: «الف- پیام دهنده (منبع): برقرار کننده ارتباط. ب- پیام گیرنده (مخاطب): دریافت کننده ارتباط. پ- پیام: محتوا (آن چه که برای ارتباط برقرار می‌شود). ج- وسیله ارتباط: ابزاری که با آن ارتباط برقرار می‌شود. د- بازخورد: واکنش به وجود آمده در گیرنده». (سامووار و همکاران، ۱۳۷۹: ۲۵۱) پژوهشگران علم ارتباط، ارتباط را در دو نوع کلامی و غیرکلامی دانسته‌اند: «۱- از طریق زبان، با استفاده از واژه‌هایی که بر اساس پیروی دایم از قوانین و دستور زبان به هم می‌پیوندند و جملات را به وجود می‌آورند که به این ارتباط، ارتباط کلامی می‌گوییم. ۲- از طریق ارتباط غیرکلامی، یا آنچه ادوارد تی. هال زبان خاموش یا زبان اشاره می‌نامد». (رضایی، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۲) ارتباط کلامی همان‌طور که از معنی کلمه برمی‌آید به معنی نوعی از ارتباط است که به وسیله زبان ایجاد می‌شود. «زبان مجموعه‌ای از علائم و نشانه‌های قراردادی است که هر ملت و گروهی برای تفهیم دیدگاه‌ها

و نیت خود بکار می‌گیرند. زبان به معنای اعم آن عبارت است از تمام وسایل لفظی و غیرلفظی که برای ایجاد ارتباط و تفاهم میان انسان‌ها به کار می‌رود. توانایی به کارگیری زبان از تفاوت‌های مهم بین انسان و حیوان است». (کاهانی مقدم، ۱۳۷۰: ۲۸-۲۹)، اما واژه ارتباطات غیرکلامی به دامنه وسیعی از پدیده‌ها اطلاق می‌شود که حوزه گسترده‌ای را در برمی‌گیرد. «از بیان چهره‌ای و اشاره اندامی تا مد و نمادهای وضعیتی، از رقص و نمایش تا موسیقی و لال بازی، از جریان تأثرانگیز تا جریان ترافیک، از حیطة قلمرو جویی حیوانات تا عهدنامه‌های سیاسی، از ادراک فراحسی تا رایانه‌های قیاسی و از بلاغت مرتبط با خشونت تا بلاغت مربوط به پایکوبی‌های نخستین». (ریچموند و مک کروسیکی، ۱۳۸۸: ۱۹) همچنین، «ارتباطات غیرکلامی که به آن «زبان بدن» هم گفته می‌شود، شامل تمامی جنبه‌های ارتباط به جز کلمات می‌شود». (وود، ۱۳۷۹: ۲۸۴).

در اهمیّت ارتباط غیرکلامی باید گفت که «پنهان و آشکار کردن نشانه‌های غیرکلامی، بسیار دشوارتر از پنهان نمودن نشانه‌های کلامی است. نشانه‌های غیرکلامی گاه آن‌قدر می‌توانند قوی باشند که حتی پیام‌های کلامی را تحت نفوذ خود قرار دهند. پیام‌های غیرکلامی در مقایسه با پیام‌های کلامی، معمولاً بسیار سریعتر ارسال و دریافت می‌شوند». (دانشگر، ۱۳۸۶: ۱۲۲-۱۲۱) همچنین با توجه به پژوهشی که ببردوسیل در زمینه ارتباطات غیرکلامی انجام داده است، تنها ۳۵ درصد از معنی در یک وضعیت ارتباطی با کلام به دیگری انتقال می‌یابد و ۶۵ درصد دیگر با ارتباط غیر کلامی منتقل می‌شود. آلبرت مهربان نیز با تجزیه و تحلیل یک ارتباط بین فردی به این نتیجه دست یافته است که تنها ۷ درصد با پیام‌های کلامی به مخاطب انتقال یافته و ۹۳ درصد پیام به طریق غیرکلامی به مخاطب منتقل شده است و قابل تقسیم به این موارد است: ۳۸ درصد با نشانه‌های آوایی و ۵۵ درصد با نشانه‌های چهره‌ای. البته یافته‌ها در پژوهش‌های مختلف با یکدیگر متفاوتند؛ ولی می‌توان چنین نتیجه گرفت که نشانه‌های غیرکلامی در ارتباط بین فردی بسیار مهم بوده، نقش آنان در بسیاری موارد در انتقال معنی از فردی به فرد دیگر بسیار حیاتی است (ن.ک: فرهنگ، ۱۳۷۵: ۲۷۲-۲۷۳).

ارتباط غیرکلامی دارای اصولی است که بر مبنای آن تفسیر می‌شود: «۱- ارتباطات غیرکلامی در یک زمینه خاص شکل می‌گیرد ۲- در چارچوب زمان و مکان پدید می‌آید ۳- حرکات، رفتارها و

اعمال تعاملی و میان کنشی است ۴- مبتنی بر قلمرو هدف و فاصله است ۵- بیش از ارتباط کلامی مورد پذیرش قرار می‌گیرد ۶- همیشه و در هر جو و فضایی به وجود می‌آید ۷- در وضعیت نبود احساسات پنج گانه انسانی به منصفه ظهور می‌رسد ۸- در شرایطی پرابهام و مبتنی بر معانی چندگانه است ۹- بسته به نوع فرهنگ و حوزه‌های جغرافیایی افراد، متفاوت عمل می‌کند ۱۰- جایگزین، مکمل، متعارض و مؤکد ارتباط کلامی اشخاص است». (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۲۰) ارتباط غیرکلامی انواع مختلفی دارد: «ارتباط آوایی، ارتباط دیداری که شامل رفتارهای چهره و چشم می‌شود و ارتباطی که از طریق مؤلفه‌های زمان، مکان، نشانه‌های محیطی و زیبایی شناسی برقرار می‌شود. همچنین ارتباط غیرکلامی در پیوند با حواس پنج گانه به پنج نوع عمده ارتباط دیداری، شنیداری، بساواپی، بویایی و چشایی نیز تقسیم می‌شود». (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۲۹۴-۳۱۰).

۳- بحث و بررسی

۳-۱- مفاهیم حالت و وضع ظاهری بدن

حالت و وضع ظاهری بدن اشخاص می‌تواند معرف شخصیت، حالت روحی، جسمی و... آنان باشد. به همین دلیل صاحب‌نظران بر این باورند که «اولین پیامی که ما به هر کسی که با او در ارتباط هستیم و می‌فرستیم، به وسیله ظاهر فیزیکی مان منتقل می‌شود. اگر این پیام به وسیله شخص دیگری مورد تأیید قرار نگیرد، او نباید انتظار بیشتری داشته باشد. ظاهر فیزیکی دارای جنبه‌های بسیاری است که هر یک پیام‌های نهفته‌ای را به وجود می‌آورند؛ از جمله: اندازه بدن، شکل بدن، ویژگی‌های ظاهری و لباس و اشیایی که استفاده می‌کنیم. هر یک از این موارد می‌توانند تأثیرات مهمی در ارتباط ما با دیگران داشته باشند». (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۹۷). جامی در مثنوی تحفه الاحرار ۴۱ بیت را به شرح حالات شخصیت‌ها اختصاص داده است. این موارد برای بیان حالت‌هایی چون اندوه، شور و اشتیاق، اضطراب و دلهره، بی‌قراری، حیرت و سرگشتگی و... به کار رفته که همگی آن‌ها با توجه به بافت متنی کتاب در رابطه با انتقال مفاهیم اخلاقی و عرفانی است.

در بیت زیر عبارت «سینه محروم ز تو داغ داغ» نشان از بی‌قراری و اضطراب انسانی است که از طاعت و عبادت پروردگار محروم است. جامی حالت تشویش و عدم آسایش روحی و روانی برخی افراد را زمینه‌ای برای انتقال پیام مورد نظر خویش قرار می‌دهد و آن این است که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.

در دل محروم ز جمالت چراغ سینه محروم ز تو داغ داغ
(جامی، ۱۳۹۸: ۱۷۳۷۵)

بیت بعدی نیز از نعت سوم مثنوی تحفه‌الاحرار است که این بخش در بیان معجزات پیامبر است. در بیت پایانی این بخش، شاعر ناتوانی خویش را از ستایش پیامبر بیان می‌کند. به همین منظور برای انتقال کامل این پیام و منتقل کردن احساس و حالت خویش، حالت شرمندگی را با ریختن عرق از چهره بیان می‌نماید. هر فردی ممکن است در موقعیت‌هایی قرار گیرد که خجالت زده شود و با این واکنش بدن به خوبی آشنا باشد. جامی نیز از این طریق به خوبی حالت بدنی و درونی خود را با استفاده از این عنصر غیرکلامی نشان می‌دهد.

خواست به نعت گه‌ری تابناک ریخت ز رویش خوی خجالت به خاک
(همان: ۱۶۳۸۰)

بافت متنی این بخش مربوط به هم‌نشینی با پیر و راهنما و رسیدن مرید به عین‌الیقین از برکات ارشاد پیر است. جامی حالت شعف و شادی و حال خوشی را که به واسطهٔ ارشاد پیر به او دست داده را برای مخاطب بیان می‌کند.

من به چنین وقت پر از یاد پیر جان و دلی شاد به ارشاد پیر
(همان: ۱۲۳۹۲)

بیت زیر حالت خوش‌حالی و شادمانی خواجه‌ای را نشان می‌دهد که از نکتهٔ شاعر مداح به وجد آمده است. چون گل بر شکفتن و با دلی صد پاره خندیدن نشان از حالتی پر از سرور و خرمی در فرد مورد نظر می‌دهد که جامی با استفاده از توصیف وضع ظاهری به خوبی توانسته است که این حالت را انتقال دهد.

خواجه ازان نکته چو گل بر شکفت با دل صد پاره بخندید و گفت
(جامی، ۱۳۹۸: ۸۴۳۹)

۳-۲- گیسو و مو

مو و مدل‌های آن یکی از مقولات ارتباط غیرکلامی است. رنگ مو، بلندی و کوتاهی آن و نمادهای زیبایی آن از فرهنگی و نژادی به نژاد دیگر متمایز و متفاوت است. «پیام‌های غیرکلامی مو، از رنگ مو، بلندی مو، موی صورت و دستکاری مو حاصل می‌شود.» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۱۳۲) مو کارکردهای بسیاری دارد که هر کدام معنا و مفهومی را انتقال می‌دهد. جامی در این مثنوی ۱۶ مورد را به کارکردهای مو اختصاص داده است. این موارد برای انتقال مفاهیمی مانند زیبایی و غرور، ضعف و پیری، فرا رسیدن زمان مرگ، خوش رنگی و دلبری و... به کار رفته است.

در بیت زیر باریکی مو و رنگ سفید آن به عنوان دو کارکرد غیرکلامی استفاده شده است. در مصراع نخست باریکی موی نشان از لاغری فرد صاحب دل دارد که به خاطر بیم و امید یا همان حال خوف و رجا در عرفان است. در مصراع دوم نیز سپیدی مو نشان از پیری فرد صاحب دل دارد که البته حاوی پیام دیگری نیز هست که بیان می‌کند سفیدی مو صرفاً به خاطر سالخوردگی نیست، بلکه به واسطه جفای جهان هستی است که او سپید مو گشته و اکنون در قامت پیر و مرشد است.

تن شده چون موی ز بیم و امید مو شده از ظلمت هستی سفید

(همان: ۳۸۹ب۸)

بافت متنی بیت زیر مربوط به شرح حال و وصف صوفیان واقعی است و شاعر در این بخش به صوفی نمایان می‌تازد. در اثنای ابیات این بخش جامی مخاطب را پند می‌دهد و او را به سوی دین ورزی و راست کرداری سوق می‌دهد. در این بیت نیز نبود موی سیاه در صورت فرد نشان از پیری مخاطب دارد و با این روش جامی هشدار می‌دهد که ای مخاطب من، اکنون سن و سال تو بالا رفته و باید هر لحظه در فکر عبادت و پرستش باشی نه این که با انجام گناه نامه اعمال خویش را سیاه کنی.

نیست به روی تو یکی مو سیاه چند کنی نامه سیاه از گناه

(همان: ۴۱۹ب۸)

بیت زیر از مقالهٔ پانزدهم مثنوی تحفه‌الاحرار است. این مقاله با یادآوری گذر زمان و پیر شدن مخاطب سعی در آگاه کردن او دارد. در این بیت نیز مصراع نخست نشان از طی شدن سالیان عمر مخاطب دارد و فرقی که بر آن کافور ریخته شده به خوبی پیام مبنی بر به پایان رسیدن زمان عمر را نشان می‌دهد. شاعر نیز با استفاده از این عنصر غیرکلامی به مخاطب هشدار می‌دهد که زمان باقی مانده را دریابد و عمر باقی مانده را تنها در بند خواب و خور نباشد.

چرخ که بر فرق تو کافور ریخت بر تو هم از شعر تو کافور بیخت

(همان: ۴۲۷ ب ۱۰)

- جدول ۱: بسامد مؤلفه‌های غیر کلامی حالت و وضع ظاهری بدن، گیسو و مو

مؤلفه‌های غیر کلامی	تعداد	پیام‌ها و مفاهیم منتقل شده	درصد
حالت و وضع ظاهری بدن	۴۱ مورد	اندوه، شور و اشتیاق، اضطراب و دلهره، بی‌قراری، حیرت و سرگشتگی	۱۳٪
گیسو و مو	۱۶ مورد	زیبایی و غرور، ضعف و پیری، فرا رسیدن زمان مرگ، خوش رنگی و دلبری	۵٪

۳-۳- مفاهیم مربوط به حرکت‌ها و حالت‌های چهره

حرکت‌ها و حالات چهره از موارد نشانه‌های غیرکلامی به شمار می‌رود. اشخاص با حرکت‌ها و حالت‌های چهره مانند اخم، لبخند، گریه و... بدون ایراد کلامی با مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند: «چهره مهم‌ترین کانال غیرکلامی است. این کانال به خصوص اهمیت زیادی در بیان احساسات و نگرش‌های فرد نسبت به دیگران دارد. حالت‌های چهره به سرعت عوض می‌شوند و نقشی هم در تعامل اجتماعی بازی می‌کنند.» (وینرایت، ۱۳۹۳: ۸۵) در ادامه به مهم‌ترین عناصر مربوط به چهره خواهیم پرداخت:

۳-۳-۱- گریه

گریه یکی از حالت‌های چهره در زمینهٔ ارتباط غیر کلامی است. «اشک‌ها الگوهای منحصر به فردی از ارتباط را دارا هستند. زبان‌شناسان فرهنگی، گریستن را نوعی سیستم فرا زبان می‌دانند که آگاهانه یا به طور ناخودآگاه، در حمایت از انفعال کلامی بروز می‌کند.» (کاتلر، ۱۳۸۰: ۴۸۰) جامی

در منظومه تحفه الاحرار هفت بیت را به گریه اختصاص داده و این ابیات نشان از درخواست و عذرخواهی به درگاه پروردگار برای بخشش گناهان است. شاعر در بیت زیر اشک ریختن را وسیله‌ای برای توبه و پشیمانی از انجام گناهان می‌داند و این پیام را منتقل می‌کند که گریه خالصانه می‌تواند ابزار مناسبی برای جلب رضایت خداوند و بخشش تقصیر باشد.

اشک همی ریز به صد درد و سوز عذر همی خواه ز تقصیر روز

(جامی، ۱۳۹۸: ۱۷۴ب۵)

این مورد نیز از مقاله چهارم و در اقامه نماز است. شاعر معتقد است که تمامی هستی ستایش پروردگار را می‌کند و آسمان شب تا به سحر در رکوع است و اشک می‌ریزد و ستارگان اشک‌های آن هستند. در این بیت نیز اشک ریزی نشان از تضرع و التماس به درگاه پروردگار دارد.

سبچه پروین ز کف آویخته اشک ستاره به سحر ریخته

(همان: ۱۷۴ب۹)

۳-۳-۲- مفاهیم چشم؛ نگاه

چشم‌ها در انتقال مفاهیم و احساسات اهمّیت بسزایی دارند و حالت‌ها و رفتارهای چشم پیام‌های بسیاری را منتقل می‌کند. اولین ارتباطی که بین دونفر برقرار می‌شود، نگاه کردن است. از این رو چشم و نگاه به انسان‌ها در ایجاد روابط اجتماعی به‌ویژه در زبان بدن وسیله‌ای قدرتمند محسوب می‌شود. «چشم‌ها در پیوستگی با چهره آدم‌ها حوزه‌ای وسیع از پیام‌ها را منتقل می‌کنند. افرادی که در روابط اجتماعی خود، نگاه زیبایی به همه دارند، می‌توانند در انجام امور موفق‌تر از دیگران باشند. در حقیقت نگاه کردن به هر چیزی می‌تواند منشأ عشق، نفرت، ترس، دشمنی، کینه یا رنجش را نشان دهد. در حقیقت چشم‌ها بیانگر واقعیات درون هر انسان هستند». (صلیبی، ۱۳۹۰: ۱۱۶) ارتباط دیداری در این مثنوی یکی از پرکاربردترین عناصر غیر کلامی است، به گونه‌ای که شاعر در ۳۹ بیت از آن برای بیان مفاهیمی همچون بصیرت، بزرگی خداوند، دقت و تمرکز، انتظار، التفات و توجه خاص و... بهره برده است.

ارتباط غیرکلامی در بیت زیر مربوط به دیده دوختن است. این بیت مربوط به آفرینش آدم است که در آغاز خلقت آدم هر یک از فرشتگان که وی را می‌بینند، بر او دیده می‌دوزند؛ دیده

دوختن نشان از دقت بالا و شگفتی بیننده دارد و شاعر برای این که پیام شگفت زدگی فرشتگان از آفرینش آدم را بیان کند عبارت دیده دوختن را استفاده کرده است.

بزم کرامت ز رخس بر فروخت هر که رخس دید بر آن دیده دوخت

(جامی، ۱۳۹۸: ۳۹۷ب ۲۰)

چشم بر چیزی یا جایی داشتن در وهله اول حاکی از نگاه کردن به آن دارد. این نگاه برای بیان مفاهیمی چون انتظار، امید و توقع به کار می‌رود. در بیت زیر نیز چشم بر در احسان خداوند داشتن برای انتقال این مفهوم است که همه مردم و بلکه موجودات انتظار احسان و بخشش از خداوند را دارند و امیدی به جای دیگری ندارند.

یارب از آنجا که کرم آن توست چشم همه بر در احسان توست

(همان: ۹ب ۱۱)

در مصراع نخست بیت زیر عبارت «چشم بر آن نه» حاکی از نگاه متمرکز بر شخصی دارد. این بیت برای بیان توجه و التفات به درگاه پروردگار سروده شده است و به همین منظور چشم نهادن یا نگاه کردن برای بیان این مفهوم به کار رفته که تنها امید و پناه گاه تو خداوند باشد. تنها به کسی امید داشته باش که به چشمان جهان بین تو روشنی و بینایی بخشیده است.

چشم بر آن نه که ز روز نخست روشنی چشم جهان بین توست

(همان: ۲۳ب ۴۰)

۳-۳-۳- ابرو، خال، مژه

اجزای دیگر چهره، مانند ابرو، خال، مژه و... هریک در انتقال پیام‌های غیرکلامی نقش مؤثری دارد. جامی در این مثنوی تعداد ۱۳ بیت را به عناصر غیرکلامی خال، ابرو و مژه برای بیان مفاهیمی چون زیبایی صورت، جلوه‌گری، خواب و غفلت، ناله و تضرع، التماس و خواهش به درگاه خداوند اختصاص داده است. در بیت زیر جامی بستن مژه‌های چشم و تشبیه آنان به میخ‌هایی که چشمان شاعر را به هم دوخته است را برای انتقال مفهوم خواب بودن و عدم آگاهی از حکمت‌های آفرینش در جهان هستی و قدرت خداوند به کار برده است. شاعر می‌گوید تو اهل

خواب و تن آسانی هستی و چشمانت را به روی حقایق بسته‌ای و برای رساندن این مفاهیم از حرکت مژه بهره برده است.

شرم تو بادا که کنی تا به روز راه نظر را به مژه میخ دوز

(همان: ۶۴۱۶ب۶)

جامی بیت زیر را برای بیان دل‌بستگی‌های مخاطب به زیبا رویان گوناگون و بر حذر داشتن وی از عشق ورزی به معشوقان متعده بیان کرده است. در این بیت عبارت «خال سیاهان» نشان از زیبایی خوب رویان دارد و در جمال شناسی کلاسیک همواره خال سیاه معشوقان یکی از جاذبه‌های آنان بوده است.

حال تو از خال سیاهان تباه روز تو از مشک عذاران سیاه

(همان: ۶۴۳۵ب۶)

یکی از زیبایی‌های صورت شکل ابرو است در جمال شناسی متون کلاسیک ابروی هلالی و نازک یا شکل کمان همیشه مورد پسند بوده است. در بیت زیر نیز شاعر شور و شادی خود را از آشکار شدن هلال ماه رمضان با تشبیه آن به ابروی حور بیان می‌کند. نازکی هلال ماه نو و تشبیه آن به ابروی حور علاوه بر زیبایی، نشان از شرف و شور شاعر از آغاز ماه رمضان دارد.

ماه نو روزه ببین از افق کابروی حور است ز نیلی تق

(همان: ۶۴۰۵ب۲)

۳-۳-۴- مفاهیم لب

لب، بخش خارجی دهان مرکب از دو قطعه گوشتی سرخ (ن.ک: معین، ۱۳۸۷: ۱۲۴۹). الیزابت به چند مورد از حالت‌های لب‌ها اشاره می‌کند که شامل: «لب‌های کشیده با ماهیچه‌های منقبض، لب‌های آویزان، جویدن لب‌ها، غنچه کردن لب‌ها، جمع کردن لب‌ها، انقباض لب‌ها و فرو خوردن سخن و انواع لبخند است». (کونکه، ۱۳۹۳: ۱۱۵-۱۱۶) در اجتماعات و فرهنگ‌های مختلف هر یک از حرکات و حالت‌های لب مفاهیم خاصی را القا می‌کند. مثلاً لب‌گزیدن می‌تواند نشان از حسرت باشد و جویدن لب‌ها نشان از اضطراب و پریشانی می‌دهد. در مثنوی تحفه‌الاحرار جامی ۱۸ بیت را به حرکت لب و به منظور بیان مفاهیمی مانند: دوری از یاوه گویی، دوری از یاوه گویی، دوری از دعوی و غرور، تضرع و التماس، سکوت از غیر خدا و... اختصاص داده است.

حرکت لب مفاهیم متفاوتی را برای مخاطب منتقل می‌کند. در بیت زیر که از مقاله نهم و در ستایش خاموشی است، لب گشودن نشان از صحبت کردن دارد چون هنگام صحبت کردن لب‌های ما حرکت می‌کنند. جامی می‌گوید اگر قصد صحبت گشودن لب‌هایت را داری پس با هوش و دقت این کار را بکن تا حرف نامربوطی از لبان تو خارج نگردد، در غیر این صورت لب‌هایت را ببند و خاموش باش که بستن لب نیز حکایت از سکوت دارد.

لب چو گشایی گرو هوش باش و نه زبان در کش و خاموش باش
(جامی، ۱۳۹۸: ۱۴۱۴ ب ۲۱)

در بیت بالا لب گشایی نشان از سخن گفتن و لب بستن نشان از سکوت بود، اما در بیت زیر لب بستن به معنای خود داری کردن از خوردن و آشامیدن در ماه رمضان است که به وسیله آن گشایش در کارها برای مخاطب رخ می‌دهد و خداوند توجه ویژه‌ای به او خواهد داشت.

لب چو ببندی ز طعام و شراب در حرم مات شود فتح باب
(جامی، ۱۳۹۸: ۱۴۰۵ ب ۴)

بسته بودن لب می‌تواند مفاهیم و پیام‌های مختلفی مانند: سکوت، چیزی نخوردن، ترس، حیرت و... را انتقال دهد. در بیت زیر شاعر بسته بودن لب را برای انتقال پیامی مبنی بر فواید خاموشی و دوری از ادعا و تکبر و منیت به کار برده است. اگر لبان انسان از ادعاهای یاوه و بیهوده بسته شود باعث می‌گردد تا دل وی مخزن معانی و لطایف الهی شود.

تانه لب بسته ز دعوی شود کی دل تو مخزن معنی شود
(همان: ۱۴۱۴ ب ۴)

۳-۳-۵- بوسه

یکی از رفتارهای غیرکلامی مربوط به حرکت لب بوسیدن است. به عمل بوسه زدن علم‌المس نیز گفته‌اند: «علم‌المس یا علم‌التماس مطالعه پیام‌های لمسی و تماسی در ارتباطات غیر کلامی است». (بیدارمغز، ۱۳۹۲: ۱۹) بوسیدن در هر جامعه و فرهنگی انواع مختلف و نیز کارکردهای مختلفی دارد. باید در نظر داشت که میزان این گونه لمس کردن و هدف از آن به میزان زیادی در نتیجه‌هنجارهای فرهنگی به وجود می‌آید (ن.ک: ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷: ۲۹۹) در این

منظومه پنج بیت برای ارتباط غیرکلامی بوسه به کار رفته که همگی از روی احترام است. لازم به ذکر است که بافت متنی منظومه تحفه الاحرار در زمینه تعلیم اخلاقیات و نکاتی در حوزه دین و عرفان است و کارکردهای این مؤلفه غیرکلامی با بافت متنی تحفه الاحرار همخوانی کامل دارد. از کارکردهای بوسه می‌توان به عمل بوسیدن از روی احترام اشاره کرد. معمولاً این نوع از بوسیدن مختص به اماکن متبرکه یا بوسیدن دست بزرگان و اولیای دین است. در بیت زیر نیز فرشتگان در شب معراج از روی احترام بر پاهای پیامبر اکرم بوسه می‌زنند که این عمل نشان دهنده مقام و مرتبه ایشان در عالم خلقت است.

سجده کنان بوسه به پایش زدند طبل دعا کوس ثنایش زدند

(همان: ۳۷۸ب۱۶)

در بیت زیر نیز منظور از «بوسه چین سنگ» بوسه بر حجرالاسود است که بوسیدن آن همانند بوسیدن دست خداوند است. این بوسه نیز نشان از احترام، خاکساری و عشق به پروردگار دارد.

چون تو ازان سنگ شوی بوسه چین بوسه زن دست که باشی بین

(همان: ۶۱۰ب۶)

نمونه زیر نیز «دست‌بوسی» برای خداوند به کار رفته که این دست‌بوسی سبب می‌گردد انسان به مقام بالایی در دنیا و آخرت برسد. این بوسه نیز نشان از خشیت و عشق به خداوند دارد.

بر سر گردون زنی از فخر کوس گر رسد دولت این دست‌بوس

(همان: ۶۱۰ب۷)

جدول ۲: بسامد مؤلفه‌های غیرکلامی چهره

درصد	پیام‌ها و مفاهیم منتقل شده	تعداد	مؤلفه‌های غیرکلامی
۲,۴٪	درخواست و عذرخواهی به درگاه پروردگار برای بخشش گناهان	۷ مورد	گریه
۱۳٪	بصیرت، بزرگی خداوند، دقت و تمرکز، انتظار، التفات و توجه خاص	۳۹ مورد	چشم؛ نگاه
۴٪	زیبایی صورت، جلوه‌گری، خواب و غفلت، ناله و تضرع، التماس و خواهش به درگاه خداوند	۱۳ مورد	ابرو، خط و مژه

لب	۱۸ مورد	دوری از یاوه گویی، دوری از یاوه گویی، دوری از دعوی و غرور، تضرع و التماس، سکوت از غیر خدا	۶٪
بوسه	۵ مورد	به منظور احترام	۱,۶٪

۳-۴- مفاهیم مربوط به حرکت اندام‌ها

حرکت اندام‌های انسان شامل حرکت‌ها و حالاتی است که توسط اعضای بدن انجام می‌شود و در بافت موقعیتی که حرکت در آن صورت می‌گیرد، غالباً هر حرکت دارای یک پیام است. به همین دلیل در زمینهٔ ارتباطات غیرکلامی به صورت جدی بدان می‌پردازند. امروزه بسیاری از محققان ارتباط غیرکلامی براین باورند که «مطالعه رفتار جنبشی جدای از موقعیت و محیط تقریباً بی معنی و احتمالاً بی‌مورد است و به ندرت پیش می‌آید که یک حرکت بدنی خاص، بر پیامی ویژه خارج از محیط، موقعیت یا فرهنگی که در آن اتفاق می‌افتد، دلالت داشته باشد». (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۱۵۷-۱۵۸) در مثنوی تحفه الاحرار شاهد استفاده از حرکت سر و گردن، حرکت دست، حرکت پا و کمر هستیم که هریک از این حرکات برای انتقال مفاهیم مختلف استفاده شده‌اند.

۳-۴-۱- حرکت سر و گردن

سر نهادن یکی از نمونه‌های حرکت سر است و در بیت زیر حالت سجده را نشان می‌دهد. در این بیت سجدهٔ عرش کبریایی بر پیامبر و سر نهادن در قدم‌های وی نشان از مقام بالای پیامبر اکرم دارد. شاعر با استفاده از حرکت سر مفهوم و پیام بلند مرتبگی پیامبر را انتقال داده است.

پای ازان پایه فراتر نهاد عرش به زیر قدمش سر نهاد

(جامی، ۱۳۹۸: ۳۷۸ ب ۲۳)

از دیگر حرکت‌های سر در این مثنوی «سرکشی» است. کشیدن سر برای انتقال مفاهیمی چون نافرمانی، یاغی‌گری، عصیان و... به کار می‌رود. در بیت زیر نیز شاعر سرکشی ایام را نشان از عصیان و نافرمانی آن می‌داند و از پیامبر می‌خواهد روزگار را توبه دهد و به اسلام رونق تازه‌ای ببخشد.

توبه ده از سرکشی ایام را باز خر از ناخوشی اسلام را
(همان: ۳۸۰ب۱۹)

سر پیچی از دیگر کارکردهای حرکت سر است که به معنای تمرد و نافرمانی، عصیان و... به کار می‌رود. در این نمونه نیز «سرپیچی از عمل» نشان از تمرد و انجام ندادن کار است. شاعر خطاب به علمای مغرور می‌گوید حال که خداوند به شما علم داده پس از انجام کارهای مربوط به آن دوری نکنید و اهل علم و عمل با هم باشید.

علم چو دادت ز عمل سر مپیچ دانش بی کار نیرزد به هیچ
(همان: ۴۲۱ب۱۶)

در این مثنوی شاهد استفاده از ۳۲ مورد حرکت سر برای بیان مفاهیم ستایش پروردگار، توجه به هدف، سیاه بختی، افتخار معنوی، تواضع به درگاه خداوند، عدم فهمیدن، نابودی و... هستیم.

۳-۴-۲- حرکت دست

در برقراری ارتباط اجتماعی بسیاری از افراد با دستان خود سخن می‌گویند، بدین معنی که با حرکات دست بدون صحبت کردن یا همراه با صحبت کردن پیام‌های گوناگونی را منتقل می‌کنند. «افراد در برخوردهای اجتماعی خود از حرکات بدنی بسیار زیادی استفاده می‌کنند؛ که حرکات دست‌ها از همه گویاتر است». (آرژیل، ۱۳۷۸: ۳۴۷) در متون مکتوب نیز با استفاده از توصیف حرکات مربوط به دست، شاعر یا نویسنده به دنبال انتقال پیام از راه غیرکلامی است. مفاهیم مربوط به حرکت دست در تحفه‌الاحرار از پرکاربردترین عناصر غیرکلامی است. این ارتباط ۷۴ مورد را به خود اختصاص داده و برای بیان مفاهیم تسبیح خداوند، ناتوانی، چیرگی، تلاش برای وصال خداوند، یاری دادن، درخواست یاری و... به کار رفته است.

حرکت دستان در بیت زیر و باز شدن انگشتان آن نشان از بالا بردن دست‌ها به منظور دعا به درگاه خداوند است. شاعر دست‌هایش را برای دعا گشوده است و خواهان رهبری از جانب خداوند است تا او را در راه رسیدن به خداوند یاری‌گر باشد.

بهر دعا از گره مشت من بند گشا گشت هر انگشت من
(جامی، ۱۳۹۸: ۳۹۰ب۵)

دست آلودن یکی از حرکات دست است؛ این عمل با دست زدن و دست بردن در چیزی صورت می‌گیرد. به عنوان مثال دست به گِل زدن باعث گِل آلود شدن دست می‌گردد. شاعر در بیت زیر با استفاده از این حرکت و نهی از آن مفهومی مبنی بر وارد نگشتن به کارهای پست را منتقل می‌کند. گویی با انجام این اعمال دست به آن‌ها آلوده می‌گردد.

دست می‌آلای به شغل دغل پای مفرسای به راه امل
(همان: ۱۳ب۶۰۵)

از دیگر حرکات دست مشت کردن آن است که پیام‌هایی چون عصبانیت، قدرت‌نمایی و... دارد. بیت زیر حرکت مشت شدن دست نشان از خساست دارد. سیم و زر در دستان قرار دارد و با مشت کردن دست و بند نهادن انگشت‌ها بر آن مفهوم خساست به مخاطب منتقل می‌گردد.

ای شده زندان درم مشت تو بند بر آنجا ز هر انگشت تو
(همان: ۱۵ب۶۰۶)

۳-۴-۳- حرکات پا

حرکات مختص به پا نیز از دیگر موارد ارتباط غیرکلامی در مثنوی تحفه الاحرار است که در ۳۲ مورد از آن استفاده شده است. کارکردهای حرکت پا در این مثنوی شامل مواردی چون طی طریق دین، گوشه نشینی، به سوی خدا رفتن، خود داری از جلوه‌گری، ترک آرزو و هوس، به نشانه احترام نشستن و... است. در مصراع زیر «سودن» به معنای لمس کردن آمده است و این حرکت پا به معنی لمس و یا حرکت بر روی چیزی است. جامی از حرکت «پای سودن» بر بساط عمل، مفهوم همراه نمودن عمل با علم را انتقال می‌دهد و از مخاطب می‌خواهد تا بی عملان را به انجام کار تشویق نماید.

چون به بساط عملت سود پای بی عملان را به عمل ره نمای
(همان: ۱۷ب۶۲۱)

از دیگر حرکات پا می‌توان به فشردن پا در یک نقطه یا مکان خاص اشاره کرد. این حرکت نشان از مقاومت و ایستادگی برای انجام کاری یا جلوگیری از انجام آن دارد. در بیت زیر «پای

سخت کردن» برای انتقال مفهوم ایستادگی در سختی‌ها و اصرار بر انجام کارها دارد تا در نهایت نتیجه مطلوب رقم بخورد، همان گونه که درخت با این حرکت به بار و ثمر می‌نشیند.

میوه مقصود کی آرد درخت تا نکند پای به یک جای سخت

(همان: ۲۲ب۴۳۵)

۳-۴-۴- حرکت کمر

کمر از دیگر اعضای بدن است که با حرکت یا شکل آن عباراتی را ساخته‌اند که در بافت‌های مختلف معنا و مفهوم متفاوتی را به خود می‌گیرد. عبارتهایی مانند کمر بستن، کمر شکستن، خمیدگی کمر و... هر کدام بار معنایی خاصی دارند. وقتی شخصی کمر خود را می‌بندد نشان از این دارد که قصد انجام کاری را دارد. جامی نیز در بیت زیر «کمر بستن» را به مفهوم آمادگی و عزم پیامبر برای رفتن به معراج به کار برده است.

بست از آنجا کمر عزم جست روی سفر کرد به قصر نخست

(همان: ۱۳ب۳۷۸)

خمیدگی کمر و پشت از حرکاتی است که کارکردهای مختلفی دارد. کارکردهایی چون پیری، ضعف، تواضع و... در این بیت پشت خمیده نشان از پیری و سپری شدن عمر دارد. جامی با بیان پشت خمیده مخاطب به او گوشزد می‌کند که پیر گشته و هیچ یک از فرایض الهی را انجام نداده است و از این طریق به او هشدار می‌دهد.

پشت چو محراب خمیده تو را روی به قبله نرسیده تو را

(همان: ۴ب۶۰۲)

پشت کردن به چیزی یا فردی به معنای بی‌اعتنایی به آن است؛ حال این بی‌اعتنایی می‌تواند معنایی مثبت یا منفی داشته باشد. در عرفان پشت کردن به دنیا مثبت است. در بیت زیر جامی خطاب به مخاطب می‌گوید: تو سوی بیچارگان پشت می‌کنی و این حرکت نشان از بی‌اعتنایی و دوری از آنان دارد و در بافت متن نیز مفهوم خساست فرد ثروتمند و خود داری از پرداخت ذکات را دارد.

گاه به پشت که ز روی درشت بهر چه کردی سوی بیچاره پشت

(همان: ۴۰۷ ب ۲۱)

حرکت کمر در این مثنوی برای انتقال مفاهیمی مانند بندگی و عبادت، خدمت‌گزاری، وصال، زشت قامتی، حمایت و جانب‌داری، فشار و سختی، پیری و ضعف و... استفاده شده است. این عنصر غیرکلامی ۳۴ مورد را به خود اختصاص داده است.

جدول بسامد مؤلفه‌های غیرکلامی حرکت اندام‌ها

درصد	پیام‌ها و مفاهیم منتقل شده	تعداد	مؤلفه‌های غیرکلامی
۱۰٪	ستایش پروردگار، توجه به هدف، سیاه بختی، افتخار معنوی، تواضع به درگاه خداوند، عدم فهمیدن، نابودی	۳۲ مورد	حرکت سر و گردن
۲۴٪	تسبیح خداوند، ناتوانی، چیرگی، تلاش برای وصال خداوند، یاری دادن، درخواست یاری	۷۴ مورد	حرکت دست
۱۰٪	طی طریق دین، گوشه نشینی، به سوی خدا رفتن، خود داری از جلوه‌گری، ترک آرزو و هوس، به نشانه احترام نشستن	۳۲ مورد	حرکت پا
۱۱٪	بندگی و عبادت، خدمت‌گزاری، وصال، زشت قامتی، حمایت و جانب‌داری، فشار و سختی، پیری و ضعف	۳۴ مورد	حرکت کمر

نتیجه‌گیری

با بررسی جنبه‌های ارتباطی در منظومه تحفه‌الاحرار مشخص گردید که جامی در این اثر خود به عناصر مختلف ارتباط غیرکلامی توجه بسیاری داشته و در ۳۱۰ مورد از این عناصر استفاده کرده است. وی مفاهیم و پیام‌های مختلفی را با بهره بردن از راه‌های ارتباط غیرکلامی به مخاطب خود انتقال می‌دهد. مهم‌ترین مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی که در این اثر به کار گرفته شده است عبارتند از:

حرکات مربوط به اندام‌ها که ۱۷۱ مورد را به خود اختصاص داده و از این مقدار تعداد ۷۱ مورد مربوط به حرکت دست است که برای بیان مفاهیمی چون تسبیح خداوند، ناتوانی، چیرگی، تلاش برای وصال خداوند، یاری دادن، درخواست یاری و... به کار رفته است. حرکت کمر نیز با ۳۴ مورد برای انتقال پیام‌هایی مبنی بر بندگی و عبادت، خدمت‌گزاری، وصال، زشت‌قامتی، حمایت و جانب‌داری، فشار و سختی، پیری و ضعف و... مورد استفاده قرار گرفته. حرکت سر شامل ۳۲ مورد می‌باشد که مفاهیمی مانند ستایش پروردگار، توجه به هدف، سیاه‌بختی، افتخار معنوی، تواضع به درگاه خداوند، عدم فهمیدن، نابودی و... را در بر دارد. حرکت پا نیز ۳۲ مورد است که مفاهیمی چون طی طریق دین، گوشه‌نشینی، به سوی خدا رفتن، خودداری از جلوه‌گری، ترک آرزو و هوس، به نشانه احترام نشستن و... را انتقال می‌دهد.

حالت و وضع ظاهری نیز شامل ۴۱ مورد است که شاعر این مؤلفه غیرکلامی را برای بیان حالت‌هایی چون اندوه، شور و اشتیاق، اضطراب و دلهره، بی‌قراری، حیرت و سرگشتگی استفاده کرده است. گیسو و مو نیز در این قسمت ۱۶ مورد را به خود اختصاص داده و مواردی مانند زیبایی و غرور، ضعف و پیری، فرا رسیدن زمان مرگ، خوش‌رنگی و دلبری را انتقال می‌دهد.

حرکت‌ها و حالت‌های چهره نیز از بسامد بالایی برخوردار است. در این زمینه چشم و نگاه ۳۹ مورد به کار رفته که پیام‌هایی نظیر بصیرت، بزرگی خداوند، دقت و تمرکز، انتظار، التفات و توجه خاص را انتقال می‌دهد. مفاهیم لب ۱۸ مورد است و در بردارنده مفاهیمی مانند خاموشی و سکوت، دم فرو بستن از یاوه‌سرایی و... است. ابرو، خال و مژه ۱۳ مورد را به خود اختصاص داده و پیام‌هایی چون زیبایی صورت، جلوه‌گری، خواب و غفلت، ناله و تضرع، التماس و خواهش به

درگاه خداوند انتقال داده است. گریه در ۷ مورد نشان از درخواست و عذرخواهی به درگاه پروردگار برای بخشش گناهان دارد. بوسه نیز ۵ مورد برای بیان احترام به کار رفته است. بررسی و تحلیل مفاهیم و پیام‌های غیرکلامی در مثنوی تحفه‌الاحرار گویای این است که این مفاهیم و پیام‌ها با بافت متنی این مثنوی که بافتی مبتنی بر اخلاق، دین، عرفان و پند و اندرز دارد، کاملاً مطابق است. عناصر ارتباط غیرکلامی با توجه به بافت متنی که در آن به کار می‌روند، مفاهیم مختلفی را نشان می‌دهند. طبق همین موضوع مفاهیم مؤلفه‌های غیرکلامی در یک متن حماسی با یک متن غنایی یا تعلیمی تفاوت چشم‌گیری دارد. متن تحفه‌الاحرار نیز یک متن تعلیمی است و این عناصر در خدمت انتقال مفاهیمی است که رابطهٔ مستقیم با پیام‌ها و مفاهیم اندرزی و تعلیمی دارد.

فهرست منابع و مآخذ

الف: کتاب نامه

- ۱ - آرژیل، مایکل، (۱۳۸۷)، *روانشناسی ارتباطات و حرکات بدن*، ترجمهٔ مرجان فرجی، تهران: مهتاب.
- ۲ - بولتون، رابرت، (۱۳۸۱)، *روانشناسی روابط انسانی*، ترجمهٔ حمیدرضا سهرابی، چاپ پنجم، تهران: رشد.
- ۳ - بیدارمغز، علیمحمد، (۱۳۹۲)، *ارتباطات غیرکلامی*، تهران: کارگزار روابط عمومی.
- ۴ - جامی، عبدالرحمن، (۱۳۹۸)، *مثنوی هفت اورنگ*، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، چاپ سوم، تهران: مهتاب.
- ۵ - ریچموند، ویرجینیا پی؛ جیمز سی، مک کروسکی، (۱۳۸۸)، *رفتارهای غیرکلامی در روابط میان فردی (درسنامهٔ ارتباطات غیرکلامی)*، ترجمهٔ فاطمه سادات موسوی و ژیلا عبدالله پور، زیر نظر غلامرضا آذری، چاپ دوم، تهران: دانژه.
- ۶ - سامووار، لاری؛ ریچارد، پورتر؛ استفانی، لیزا، (۱۳۷۹)، *ارتباطات بین فرهنگ‌ها*، ترجمهٔ غلامرضا کیانی و اکبر میرحسینی، تهران: باز.
- ۷ - شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۲)، *نشانه - معناشناسی دیداری*، تهران: سخن.
- ۸ - فرهنگی، علی اکبر، (۱۳۷۵)، *ارتباطات انسانی (مبانی)*، ج ۱، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- ۹ - کاتلر، جفری، (۱۳۸۰)، *زبان اشک‌ها (نگاهی روانشناختی به گریستن)*، ترجمهٔ طاهره جواهرساز. تهران: جوانه رشد.
- ۱۰ - کونکه، الیزابت، (۱۳۹۳)، *زبان بدن به زبان آدمیزاد*، ترجمهٔ زهرا نعمتی، چاپ دوم، تهران: هیرمند.
- ۱۱ - محسنیان راد، مهدی، (۱۳۸۵)، *ارتباط شناسی*. تهران: سروش.
- ۱۲ - معین، محمد، (۱۳۸۷)، *فرهنگ فارسی*، تهران: میلاد.
- ۱۳ - وود، جولیاتی، (۱۳۷۹)، *ارتباطات میان فردی روانشناسی تعامل اجتماعی*، ترجمهٔ مهرداد فیروزبخت، تهران: مهتاب.
- ۱۴ - وینرایت، گوردون، (۱۳۹۳)، *زبان بدن*، ترجمهٔ رامین کریمی، چاپ هفت، تهران: شلاک.

ب: مقالات

- ۱۵ - باقریان فر، مصطفی و نصر اصفهانی، احمدرضا و جوادی پور، محمد و عزیزی، مهران (۱۴۰۰)، «گفتن‌های رایج در زبان بدن مدرسان دانشگاه فرهنگیان»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، پیاپی ۷۸، صص ۱۱۸-۹۵.
- ۱۶ - دانشگر، محمد، (۱۳۸۶)، «نقش ارتباطات غیرکلامی در داستان پردازی مولانا»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۱۶، صص: ۱۳۶-۱۱۵.
- ۱۷ - رضایی، ایرج، (۱۳۸۸)، «مقدمه‌ای بر ارتباط کلامی پلیس راهنمایی و رانندگی در تعامل با مردم»، نشریه مطالعات مدیریت ترافیک، دوره ۴، شماره ۱۳، صص: ۱۰۸-۸۵.
- ۱۸ - صلیبی، ژاسنت، (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر سهم ارتباطات غیرکلامی در کنش متقابل اجتماعی»، جامعه پژوهشی فرهنگی، سال دوم، شماره ۲، صص: ۱۰۱-۱۲۰.
- ۱۹ - غفوری فر، محمد و حسینی، علیرضا و قصابی، مهناز (۱۴۰۰)، «بررسی و تحلیل بازتاب ارتباطات غیرکلامی در خطبه‌های نهج البلاغه»، دوفصلنامه علمی دین و ارتباطات، سال بیست و هشتم، شماره دوم (پیاپی ۶۰)، صص ۴۰۵-۴۳۳.
- ۲۰ - کاهانی مقدم، کاظم، (۱۳۷۰)، «روانشناسی و تربیت زبان»، نشریه تربیت، شماره ۵۶، صص: ۲۸-۳۱.
- ۲۱ - محمدی، مرتضی (۱۳۹۹)، «تبیین رابطهٔ مهارت‌های ارتباطی اساتید مرکز علمی کاربردی فاتب با کیفیت تدریس آنان از دیدگاه دانشجویان»، مطالعات و مدیریت بر آموزش انتظامی ۱۳(۴۹)، صص: ۲۲۰-۲۰۶.
- ۲۲ - محمودی، مریم و (۱۳۹۵)، «ارتباط‌های غیرکلامی در روایت‌های تاریخ بیهقی»، کاوش نامه، دوره ۱۷، شماره ۳۲، صص: ۲۰۱-۲۳۱.